

حضور ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس بر پایه گزارش‌های تاریخی و مطالعات باستان‌شناسی

میثم لباف خانیکی^۱

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

بهمن فیروزمندی

دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

علیرضا خسروزاده

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد

(از ص ۷۳ تا ص ۹۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۶/۲۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۲/۱۳

چکیده

کرانه‌های خلیج فارس از آغازین سال‌های دوره ساسانی شاهد حضور فرمانروایان مقتدر آن سلسله و اقدامات عمرانی ایشان بوده است. پادشاهان ساسانی، با پی ریختن شهرها و توسعه بخشیدن مراکز جمعیتی در کرانه‌های خلیج فارس، از یک سو حاکمیت خویش را بر آن مناطق تثبیت کردند و از سوی دیگر سنگری دفاعی در برابر دست‌اندازی مهاجمان فراهم آوردند. علاوه بر گزارش‌هایی که در متون تاریخی قبل از اسلام و قرون اولیه اسلامی مندرج است، یافته‌های باستان‌شناسی بر حضور جامعه و فرهنگ ساسانی در کرانه‌های خلیج فارس دلالت دارند و مواد فرهنگی دوره ساسانی گویای روابط اجتماعی و اقتصادی جوامع ساکن در منطقه مورد مطالعه است. بافت شهرها، ساختار سازه‌های معماری، گونه غالب ظروف سفالین، سکه‌ها و مهرها، هر یک نشانه‌ای از روابط و مناسبات جاری در جوامع دوره ساسانی در کرانه‌های خلیج فارس ارائه می‌دهند. بر این اساس، می‌توان گفت جمعیت‌هایی که در کرانه‌های خلیج فارس مستقر بوده‌اند، از اقتصادی بر پایه تجارت و بازرگانی داشته‌اند و برج‌ها و قلعه‌های استوار، امنیت ایشان را در برابر هجوم بیگانگان تأمین می‌کرده است.

واژه‌های کلیدی: خلیج فارس، دوره ساسانی، سفال، معماری، تجارت

مقدمه

حضور ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس از زمان کشورگشایی اردشیر در سال‌های آغازین پایه‌گذاری حکومت ساسانی گزارش شده است. اردشیر پس از غلبه بر اردوان در نبرد هرمزدگان و تصرف همدان، جبال، آذربایجان، ارمنستان، موصل، آسورستان (سواد)، ابرشهر، مرو، بلخ و خوارزم، رو به جنوب نهاد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۴). وی در کرانه شمالی خلیج فارس با شخصی بنام هفتوان‌بخت به نبرد برخاست و وی را مغلوب کرد (هدایت، ۱۳۴۲: ۱۸۴-۱۸۳). اردشیر پس از عبور از خلیج فارس سوی بحرین رفت و به محاصره آنجا پرداخت. شاه محلی بحرین، سنطرق، که یارای مقاومت در برابر اردشیر نداشت، خویش را از حصار شهر به پایین افکند و جان داد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۴). اردشیر پس از فتح بحرین به مداین رفت و در آنجا اقامت گزید. به گزارش طبری، اردشیر هشت شهر بنا کرد از جمله رام اردشیر، ریو اردشیر، اردشیر خره (گور)، هرمز اردشیر (سوق الاهواز)، به اردشیر (در غرب مداین)، استاباذ اردشیر (کرخ میسان)، بوذ اردشیر و نهایتاً فسا اردشیر که به تعبیر طبری همان شهر خط در بحرین است (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۵). ثعالبی نیز از دو شهر بهمن اردشیر و رام اردشیر یاد می‌کند که اردشیر در نزدیکی بندر بصره احداث کرده است (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۰۶-۳۰۷).

اهمیت اقتصادی و تجاری خلیج فارس سبب شد که اردشیر، تصرف شهرهای بندری را سرلوحه فتوحات خویش قرار دهد و پس از انضمام بخش‌های زیادی از این منطقه به قلمرو خویش، شهرهای جدیدی تأسیس کند و یا به آبادانی و بازسازی شهرهای قدیمی اقدام ورزد. در *کارنامه اردشیر بابکان* چگونگی احداث یکی از این شهرها در کرانه خلیج فارس بدین شرح آمده است:

چونش دریا بچشم بدید، اندر یزدان سپاس‌داری انگارد، و بدان جا روستایی را بخت اردشیر نام نهاد و ده آتش بهرام بر دریا فرمود نشاستن ... « (هدایت، ۱۳۴۲: ۱۸۳-۱۸۲).

در میان شهرهایی که اردشیر بنا کرد، علاوه بر بُخت اردشیر (بوشهر امروزی)، باید از شهرهای ریو اردشیر (احتمالاً همان ریشهر در بندر بوشهر)، کوچران اردشیر (در ساحل شمالی خلیج فارس و در مقابل جزیره کیش) و بتن اردشیر (در ساحل جنوب خلیج فارس و مقابل جزیره بحرین) در کرانه خلیج فارس یاد کرد (Whitehouse and Williamson, 1973: 32). احداث و بازسازی شهرها، تسلط ساسانیان را بر فعالیت‌های

اقتصادی و نظامی خلیج فارس تثبیت نمود و دروازه‌ای بازرگانی برای واردات و صادرات کالا به شهرهای پس‌کرانه‌ای قلمرو ساسانیان فراهم آورد.

در زمان شاپور اول (۲۴۱ تا ۲۷۰ میلادی)، کرانه‌های جنوبی خلیج فارس به یکی از حاکم‌نشین‌های شاهنشاهی ساسانی تبدیل شد. این ناحیه، به مرکزیت حیره، محل سکونت لخمی‌ها بود و میزان نفوذ و اقتدار ساسانیان بر این منطقه در طول زمان دچار فراز و نشیب بود. شاپور در کتیبه نقش رستم از عمان به عنوان یکی از ایالت‌های تحت حاکمیت ساسانیان یاد می‌کند، اما نام عمان در کتیبه کرتیر، متعلق به اواخر قرن سوم نیست (رک. عریان، ۱۳۸۲: ۷۰-۱۹۲). این امر بیانگر آن است که یا عمان هیچ‌گاه تحت سیطره ایرانیان نبوده یا پس از مدتی استقلال یافته است (Kennet, 2007: 88; Potts 1990: 329-330).

در زمان شاپور دوم (۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی) اعراب بحرین و هجر، در شرق شبه جزیره، در اثر فشار خشکسالی و گرسنگی، عرض خلیج فارس را طی کرده و شهرهای ساحلی فارس، خوزستان و سواد و ریو اردشیر را غارت کردند. شاپور در مقابله با ایشان سپاهی در شهر گورگرد هم آورد، اعراب را از شهرهای کرانه‌ای خلیج فارس پس راند و شهرهای عرب‌نشین ساحلی را با خاک یکسان نمود. طی این نبرد، تمامی قبایل عرب منهزم شدند و اسرای عرب با ریسمانی که از شانه سوراخ‌شده آنها گذرانده شده بود به بند کشیده شدند. به همین دلیل، اعراب شاپور را ذوالاکتاف لقب دادند (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۹). پس از اسارت شورشیان عرب، شاپور دوم در سال ۳۲۶ میلادی مستعمره‌نشین‌های ایرانی در بحرین بنا نهاد. بدین ترتیب، بحرین مجدداً ضمیمه ساسانی شد و مرزبانی ایرانی بر آنجا گماشته شد (سیوری و کلی، ۱۳۷۷: ۲۳). همچنین شاپور دوم در حاشیه غربی بین‌النهرین استحکاماتی ایجاد کرد تا این سرزمین را از هجوم بیابان‌گردان در امان دارد (Kennet, 2007: 88).

علی‌رغم همه دست‌اندازی‌های تازیان، خلیج فارس در قرن چهارم میلادی به رونق و شکوفایی قابل اهمیتی دست یافت. آمیانوس مارسلینوس که در چهارم میلادی خلیج فارس را چنین توصیف کرده است: «در سراسر کرانه (خلیج فارس) انبوهی از شهرها و روستاها واقع شده است و کشتی‌های زیادی در آن منطقه در حال آمد و شد هستند» (Daryaei, 2003:4).

با آغاز قرن ششم میلادی، ناوگان ایرانی در بنادر سینهایلی^۱ به مبارزه سرسختانه‌ای با سپاه رومی برخاست. در زمان خسرو اول (۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی)، سیطره ساسانیان و لخمی‌ها بر شرق عربستان یک‌بار دیگر برقرار گردید. در سال ۵۷۰ میلادی خسرو انوشیروان نیرویی متشکل از ۸۰۰ نفر از محکومین به جنایت را تحت امر فرماندهی کهنسال به نام وهریز به یمن گسیل داشت. در نتیجه این لشکرکشی، یمن تسخیر شد (سیوری و کلی، ۱۳۷۷: ۲۳-۲۵) و بر اساس یک روایت عمانی، به این مناسبت قلعه‌ای در رستاق، توسط حاکم ایرانی که پس از جنگ گماشته شده بود، ساخته شد (Potts, 1990: 335-336). پس از آن، قلعه‌ها و اردوگاه‌هایی نیز در بحرین و عمان ساخته شد (Potts, 1990: 336-338). منابع متأخر تاریخی عمان به عهدنامه‌ای اشاره می‌کنند که در این زمان میان ساسانیان و امرای محلی عرب جلندی، که تحت سیطره اعراب بودند، و نواحی تحت سلطه حاکم ایرانی، نهادهای نظامی و شهری و ملاکین بسته شد (Potts, 1990: 339-340). این توافقنامه تا زمان گسترش دین اسلام در این منطقه در دهه ۶۳۰ میلادی اعتبار داشت (Kennet, 2007: 88).

شواهد باستان‌شناختی حضور ساسانیان در کرانه‌های خلیج فارس

در دوره ساسانی، در سراسر کرانه‌های خلیج فارس مراکز جمعیتی وجود داشته است که امور بازرگانی و امنیتی این منطقه را سامان می‌داده‌اند (شکل ۱). اگرچه سکونتگاه‌های واقع در کرانه‌های شمالی خلیج فارس در دوره ساسانی همواره تحت حاکمیت حکومت مرکزی بودند، ولی مراکز استقرار سواحل جنوبی در مقاطعی از تاریخ آن ادعای استقلال کرده و از تابعیت حکومت ساسانیان سرپیچی می‌کردند. به دلیل سرگذشت متفاوت شهرها و بنادر ایرانی‌نشین ایران در دوره ساسانی و مراکز عرب‌نشین، در دو بخش جداگانه به شواهد باستان‌شناختی هر یک از این نواحی می‌پردازیم.

الف) کرانه ایرانی نشین خلیج فارس

نخستین گزارش از وجود آثار فرهنگی پیش از اسلام در کرانه‌های شمالی خلیج فارس همزمان است با حضور هیئت‌های دیپلماتیک بریتانیایی در ایران.^۱ در سوم ژوئن ۱۸۲۶ میلادی جیمز ادوارد الکساندر، مأمور نظامی ارتش بریتانیا، وارد بندرگاهی در خلیج فارس شد و در اقامتگاه بریتانیایی بوشهر مستقر گردید. وی در زمان حضور در ایران به بازدید از محوطه‌های باستانی واقع در بوشهر و شیراز پرداخت. الکساندر علاوه بر آنکه از نقش رستم و بیشاپور بازدید کرد، به شرح گزارشی از یک گورستان باستانی پرداخت که در حدود ۱۰ کیلومتری جنوب بوشهر در مکانی به نام سبزآباد و در فاصله کمی از ویرانه‌های ریشهر واقع شده بود. این گورستان یکی از هشت محوطه باستانی بوشهر بود که توسط الکساندر معرفی شد. دو سال بعد، در فوریه ۱۸۱۳ میلادی، در نتیجه ساخت و سازهایی که به دستور ویلیام بروس، عضو هیئت دیپلماتیک سرگور اوزلی، در همان منطقه صورت می‌گرفت، پنج خمره دیگر کشف شد. اندکی بعد، در حدود ۲۰ کیلومتری گورستان قبلی و در حدود ۵ کیلومتری جنوب سبزآباد، خمره‌های مشابهی کشف شد (Simpson, 2007: 153-154).

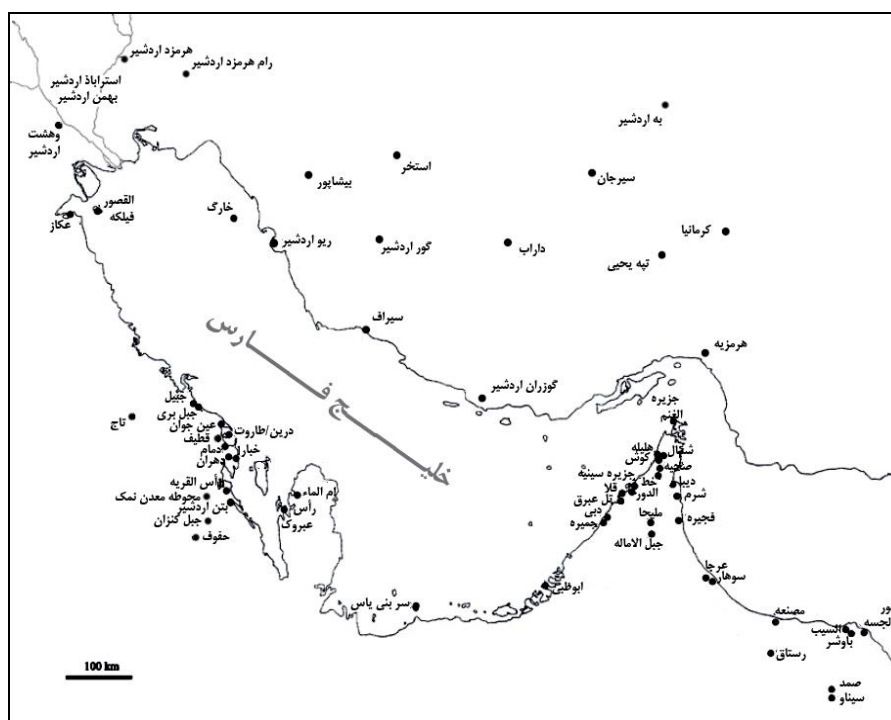
خمره‌های کشف‌شده در بوشهر دارای خمیره‌ای با بافت ماسه‌ای و بدنه استوانه‌ای بودند که به کف مخروطی شکل ختم می‌شدند. لبه این خمره‌ها فتیله‌ای بود و با استفاده از قیر طبیعی بخش انتهایی آنها اندود شده بود. این خمره‌ها که به نام خمره‌های اژدری^۲ شناخته می‌شوند، از محوطه‌های ساسانی در مرکز و جنوب بین‌النهرین و جنوب غرب ایران به دست آمده‌اند (مثلاً ر.ک. Adams, 1981: 234). تولید ظروف اژدری از دوره اشکانی آغاز شده و تا اوایل دوره عباسی ادامه داشته است. این ظروف که با استفاده از لایه‌ای قیر طبیعی نشت‌ناپذیر می‌شدند، احتمالاً گونه‌ای تولید محلی از آموغراهای رومی برای انتقال شراب و مایعات بودند (Zemer, 1977).

سال‌ها پس از حضور استعمارگران در مرزهای جنوبی ایران، در اواخر قرن بیستم میلادی، توجه باستان‌شناسان به این مناطق جلب شد (ر.ک. ابراهیمی، ۱۳۹۱). ویلیامسون و پریکت در منطقه میناب موفق به شناسایی ۱۰ محوطه باستانی شدند که بر سطح آنها

۱. خسروزاده و همکارانش به دیگر فعالیت‌های باستان‌شناسی که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در

کرانه‌های شمالی خلیج فارس صورت گرفته، اشاره کرده‌اند (ر.ک. خسروزاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۱۰).

سفال‌هایی مربوط به دوره ساسانی پراکنده شده بود (Prickett, 1986: 1270-1272). علاوه بر این، از سطح محوطه‌های کوچک ساحلی از شرق در جاسک تا غرب در بوشهر سفال‌های مربوط به دوره ساسانی شناسایی شد (Priestman and Kennet, 2002: 266; Kennet, 2002: 160).



شکل ۱. موقعیت محوطه‌های ساسانی در کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس (Whitehouse and Williamson, 1973; Kennet, 2007)

یکی از بندرهای مهم دوره ساسانی سیراف بود که توسط جاده‌ای به فیروزآباد و شیراز ارتباط می‌یافت (Boucharlat and Salles, 1981: 66). محوطه سیراف در پهنه‌ای به طول بیش از یک کیلومتر گسترده شده و استحکامات دفاعی در آن احتمالاً از زمان شاپور دوم به بعد احداث شده است (Huff, 1987: 303). آثار فرهنگی به‌جامانده از دوره ساسانی در سیراف به‌واسطه کاوش‌های باستان‌شناسی کشف شده است (Whitehouse, 1968; 1969; 1970; 1971; 1972; 1974). قابل‌توجه‌ترین اثری که از شهر باستانی سیراف به دست آمده، قلعه‌ای مربوط به دوره ساسانی است که در زیر بقایای مسجدی از قرن سوم هجری قرار گرفته است. شماری گور کنده‌شده در صخره، سکه‌ها و مهرهای ساسانی و

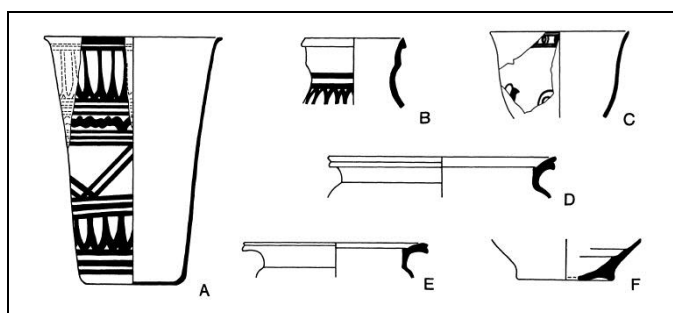
سفال‌های شاخص این دوره از دیگر یافته‌های مهم کاوش در سیراف بود (Whitehouse 1972: 70; Whitehouse and Williamson, 1973: 33-35) در نتیجه کاوش‌هایی که توسط وایت‌هاوس در سیراف انجام شده، بخشی از حصار دور شهر نیز آشکار شد (Whitehouse, 1972: 71). از دوره‌های آغازین استقرار در سیراف، تعداد زیادی سکه ساسانی به دست آمد (Lowick, 1985: 11-16)، که پیشینه ساخت‌وساز در سیراف را به دوره ساسانی می‌رساند (Whitehouse, 1972: 71). در کنار همه این یافته‌ها، سفال‌های به‌دست‌آمده از این منطقه دلیل بر حضور ساسانیان در سیراف قاطعند (اسماعیلی جلودار، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷؛ اسماعیلی جلودار و توفیقیان، ۱۳۸۹؛ Piacentini, 1992: 117).

احتمالاً سیراف در دوره ساسانی نقش ویژه‌ای در حفاظت از منافع شهر گور، مرکز حکومت اردشیر اول، ایفا می‌کرده است (Matheson, 1976: 247). شهر در اواخر دوره ساسانی منطقه‌ای گمرکی بوده که بر رفت‌وآمدهای دریایی نظارت داشته و امنیت خلیج فارس را تأمین می‌کرده است (Daryaei, 2003: 3). بلاذری در *فتوح البلدان* به سقوط دژ ساسانی سیراف، پس از یک ماه محاصره به دست مسلمین، اشاره کرده است (البلاذری، ۱۳۴۶: ۲۶۳-۲۶۲). اصطخری می‌گوید که سیراف در قرن چهارم هجری چنان آباد بوده که با شیراز در استان فارس رقابت می‌کرده و مسکن بازرگانان توانا و ثروتمند بوده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۱۳، ۱۳۴). با این توصیف‌ها به نظر می‌رسد اعراب با تصرف سیراف به دنبال تحصیل امتیازات اقتصادی منطقه بوده‌اند و از این طریق قصد داشته‌اند اختیار خلیج فارس را به دست گیرند.

بنادر دیگری چون گوزران یا کوجران اردشیر در نزدیکی بندر لنگه، که به عنوان مرکزی تجاری نیازهای شهر داراب فارس را تأمین می‌کرد (de Cardi, 1972: 306)، و جزیره خارک در ۶۰ کیلومتری شمال غرب بوشهر، که در اواخر دوره ساسانی سکونتگاهی را در خود جای می‌داد (Boucharlat and Salles, 1981: 71)، از دیگر مراکز بازرگانی دوره ساسانی در کرانه ایرانی‌نشین خلیج فارس محسوب می‌شدند.

بر اساس شواهد باستان‌شناختی، بندر بوشهر از طریق جاده‌ای باستانی با کازرون و شیراز ارتباط می‌یافت و از همین مسیر، کالاهای تجاری به دیگر نقاط ایران صادر می‌شد (Boucharlat and Salles, 1981: 66). در نتیجه بررسی‌های باستان‌شناختی وایت‌هاوس و ویلیامسن در منطقه بوشهر، محوطه بزرگ ریشهر با شواهدی از دوره اشکانی و ساسانی شناسایی شد. این محوطه، که در ۱۸۰ کیلومتری سیراف واقع شده،

شامل تپه‌ماهورهای نزدیک به هم است که در گستره‌ای به وسعت ۴۵۰ هکتار پراکنده شده‌اند. در میان سفال‌های شناسایی شده از سطح محوطه ریشهر، تنها دو گونه سفال وجود دارد که پیش از این به عنوان سفال‌های دوره اشکانی و ساسانی معرفی شده است (Whitehouse and Williamson, 1973: 36-37).



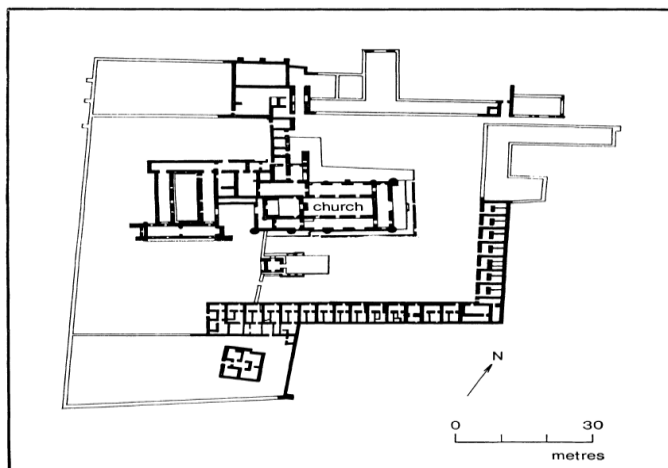
شکل ۲. سفال‌های اشکانی و ساسانی خلیج فارس (Whitehouse and Williamson, 1973)

گونه نخست از نوع سفال‌های شاخص عصر ساسانی است که دارای بدنه‌ای به رنگ قرمز- نارنجی و پوشش رقیق قرمز در خمیره این گونه سفال از ماسه به عنوان آمیزه استفاده شده و نقوش معمولاً هندسی شامل اشکال سه‌گوش، نردبانی، دایره‌های تو در تو و مارپیچ‌های آویزان است که به رنگ سیاه بر سطح خارجی ظرف اجرا شده است. این گونه سفال به نام ظروف نارنجی با تزئینات نقاشی شده یا ظروف نامرد نیز شناخته می‌شود (شکل ۲: a-c)^۱ و به طور گسترده از محوطه‌های مختلف سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس، از جمله تپه یحیی (Lamberg-Karlovsky, 1970: fig.4)، جزیره الغنم (de Cardi, 1972)، اددور (Mouton, 1992: 129)، ملیحا (Benoist et al., 2003: fig. 9 2-3)، فارس، کرمان، بلوچستان، و شمالی‌ترین نقطه شبه‌جزیره عمان (برای مثال: Williamson, 1973: fig.6 Whitehouse and Williamson, 1972: 104)، لایه‌های قرن ۲ تا ۴ میلادی قانا در یمن (Sedov, 1996: 21-23, fig. 6 2-7) و قلات در بحرین (Hojlund and Anderson, 1994: 213-215) به دست آمده است. دومین گونه شاخص سفال محوطه ریشهر، با نام «سفال قرمز صیقلی هندی» شناخته می‌شود (شکل ۲: d-f). این ظروف سفالی کالایی وارداتی از هند بودند که بدنه‌ای بسیار ظریف با سطحی صیقلی داشتند و

۱. سیدسجادی توصیف مبسوطی از این نوع سفال ارائه داده است (Sajjadi, 1989:32).

گاهی سطح داخل و خارج آنها را پوششی غلیظ به رنگ قهوه‌ای یا قرمز تزیین می‌کرده است (Whitehouse and Williamson, 1973: 38).

از جمله آثار معماری شناسایی شده در ریشهر قلعه‌ای چهارگوش است که امروزه به شکل تپه‌ای به ارتفاع ۹ متر قابل مشاهده است. این قلعه دارای دیوارهای خشتی بوده و خندقی عریض آن را در بر می‌گیرد. ریشهر احتمالاً همان ریو اردشیر دوره ساسانی است (Whitehouse and Williamson, 1973: 39-41) که در زمان شاپور دوم مورد هجوم و غارت دزدان دریایی عرب قرار گرفت (Simpson, 2007: 155). ریو اردشیر مرکز فروش مرواریدهای مرغوب بود و یکی از دروازه‌های مهم ایالت فارس و رقیب سیراف در امر تجارت و بازرگانی محسوب می‌شد (Whitehouse, 1975). ریو اردشیر در زمان ساسانیان و از قرن پنجم میلادی زیستگاه نسطوریان فارس به شمار می‌رفت (Potts, 2005: html).



شکل ۳. پلان کلیسای نسطوری در جزیره خارک (Ghirshman, 1960)

عمده فعالیت‌های مذهبی نسطوریان در کلیساهای ایشان تمرکز می‌یافت شده است. پیش از این گیرشمن در این نقطه دیوار بزرگی به انضمام فضاهایی متعلق به یک کلیسا و امور اداری پیدا کرده بود (Ghirshman, 1960: pl. 12؛ شکل ۳). این مجموعه در پهنه‌ای به مساحت ۸۰۰۰ متر مربع گسترده شده و بنای کلیسا دارای ابعادی به طول ۳۰ و عرض ۱۵ متر است. گیرشمن تخمین زده که این مجموعه گنجایش حضور یکصد نفر را داشته است (Whitehouse and Williamson, 1973: 42). در سواحل

عرب‌نشین خلیج فارس نیز چند کلیسای نسطوری متعلق به دوره ساسانی شناسایی شده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

ب) سواحل عرب‌نشین خلیج فارس

همان‌گونه که در پیشینه تاریخی خلیج فارس ذکر شد، سیطره ساسانیان بر سواحل جنوبی خلیج فارس و شمال شرق عربستان احتمالاً از زمان اردشیر اول یا شاپور اول آغاز شد. حاکمیت ساسانیان بر عمان با ذکر نام این منطقه در کتیبه کعبه زرتشت شاپور اول، تحت عنوان (Mazun)، در هر دو تحریر اشکانی و ساسانی، معلوم می‌شود (Potts, 1985). بر اساس تاریخ طبری، شاپور دوم موفق شد طی یک لشکرکشی از طریق شمال عربستان تا حجاز نفوذ کند (طبری، ۱۳۷۵: ۶۰۰-۶۰۱).



شکل ۴. قطعه‌ای گچ‌بری ساسانی مکشوفه از جزیره سر بنی یاس (Kennet, 1992)

تا مدت‌ها، هیچ محوطه ساسانی از کرانه‌های شرقی و جنوبی خلیج فارس معرفی نشده بود. اما در سال‌های اخیر، با شناخت سفال‌های شاخص دوره ساسانی، تعداد زیادی محوطه ساسانی شناسایی شده است (Kennet, 2002; 2004). علاوه بر این، شواهد دیگری از استقرارهای ساسانی شامل سکه، مهر، پیکرک و تزیینات وابسته به معماری (شکل ۴) از این منطقه به دست آمده است.

از محوطه کوش در رأس‌الخیمه، شواهد سفالی شاخصی متعلق به دوره ساسانی شناسایی شده است (Kennet, 1997; 1998). کوش تپه‌ای باستانی است که در امارات متحده عربی و در امیرنشین رأس‌الخیمه، در حدود ۷۰ کیلومتری جنوب تنگه هرمز و در مسیر راه تجاری جنوب و جنوب شرق آسیا، اروپا و خاور نزدیک واقع شده است. جغرافی‌نگاران متقدمی همچون مقدسی و ادریسی از این مکان با نام جُلْفار یاد کرده‌اند

(Kennet, 1997). دوره اول کوش، که قدیمی‌ترین لایه‌های استقرار را شامل می‌شود، متعلق به دوره ساسانی است. معماری مربوط به این دوره عبارت است از سازه‌ای خشتی که در برخی نقاط دو متر از ارتفاع آن باقیمانده است. به نظر می‌رسد سازه‌های معماری اوایل ساسانی کوش آگاهانه تخریب شده و با تسطیح آنها بستری برای احداث یک قلعه خشتی متعلق به اواخر دوره ساسانی یا اوایل دوره اسلامی (دوره دوم) فراهم آمده است. اگرچه قطعاً نمی‌توان بر کاربرد دفاعی سازه دوره اول نظر داد، ولی کشف تعداد زیادی سر پیکان آهنی سه‌پره از این لایه‌ها احتمال کاربری نظامی این سازه را تقویت می‌کند (Kennet, 2002: 154). در نتیجه کاوش‌های کوش، یک برج دفاعی نیز شناسایی شد، که در اواخر دوره ساسانی ساخته شده و تا سال‌های اولیه قرن اول هجری کاربری داشته است (Kennet, 2005: 109-110).

همچنین در رأس مسندم واقع در ساحل جنوبی تنگه هرمز نیز محوطه‌ای ساسانی معرفی شده است (de Cardi, 1972). در صُحار، واقع در نقطه اتصال خلیج فارس با دریای عمان، و نیز در دما و جُلفار قلعه‌های متعلق به دوره ساسانی شناسایی شده است (Wilkinson, 1973: 888). در غنم، واقع در تنگه هرمز، نیز ماندگاهی مرزی شناسایی شده که احتمالاً بندرگاهی برای کشتی‌ها به شمار می‌رفته است (de Cardi, 1972: 308). در منطقه ام‌الما نیز شواهدی از حضور ساسانیان همچون کوزه‌هایی با لعاب سبز به دست آمده که مشابه نمونه‌های مکشوفه از عراق است (de Cardi, 1974: 199). همچنین از صالحیه در نزدیکی خوره در رأس الخیمه مجموعه‌ای از مواد فرهنگی متعلق به دوره ساسانی کشف شده است (de Cardi, 1971: 260, 268). از سطح محوطه‌ای در نزدیکی پالایشگاه نفت و گاز (GOSP)، در حوالی شمال واحه قَطیف در شمال عربستان سعودی نیز قطعه‌ای از پیکره یک اسب ریخته‌گری شده به دست آمده که از ویژگی‌های شمایل‌شناختی هنر دوره ساسانی بهره می‌برد (Potts, 1993: 193-197).

یکی دیگر از مهم‌ترین محوطه‌های پیش از اسلام در کرانه جنوبی خلیج فارس محوطه تاج واقع در وادی‌المیاه، شرق عربستان سعودی است (Kennet, 2007: 103). تنها آثار مطمئن متعلق به دوره ساسانی از این محوطه دو سکه از اردشیر و چهار سکه رومی قرن سوم و چهارم میلادی است، که یکی از آنها را شاپور دوم مجدد ضرب کرده است (Howgego and Potts, 1992: 183-189; Potts and Cribb, 1995: 126; Potts, 1990: 203). با توجه به مساحت محوطه، محدوده کاوش شده و کمبود مواد فرهنگی متعلق به پس از

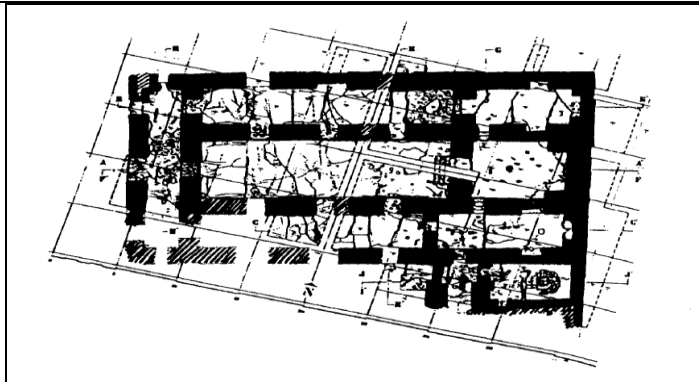
قرن اول و دوم میلادی می‌توان نتیجه گرفت که این محوطه در دوره ساسانی تنها استقرار کوچک یا فصلی بوده است (Kennet, 2007: 95).

یکی دیگر از محوطه‌های مهم سواحل جنوبی خلیج فارس، که مدارکی مربوط به دوره ساسانی از آن به دست آمده ادودر است. مدرک مربوط به استقرار دوره ساسانی در ادودر، ساختمانی حصاردار است که روی یک تپه شنی بر لبه مرداب ساخته شده است (Lecomte, 1993; Boucharlat *et al.*, 1989: 53). در داخل این ساختمان دو گور مربوط به دو مرد با جنگ‌افزار و شترهایشان یافت شد. مواد به دست آمده از این گورها دارای نمونه‌های مشابهی در بسترهای ساسانی کوخه-تیسفون هستند که متعلق به قرن سوم و چهارم میلادی دانسته شده‌اند (Mouton and Cuny, 2012: 178).

از محوطه‌های مهم دیگر ساسانی در سواحل جنوبی خلیج فارس، قلات در بحرین است. قلات تپه‌ای بزرگ و چند دوره‌ای با بیش از ۲۰ هکتار وسعت است که در سواحل شمالی بحرین قرار دارد. مهم‌ترین بنای به دست آمده از این محوطه قلعه نسبتاً بزرگی است که بر اساس شکل برج‌ها، لمبارد و کروران و پاتس نتیجه گرفته‌اند اولین مرحله استقرار و ساخت و ساز در این محوطه باید در قرن دوم یا سوم میلادی رخ داده باشد (Kervran *et al.*, 2005: 155; Potts, 1990: 111-115).

کلیساهای نسطوری از شاخص‌ترین آثار معماری برجای مانده از دوره ساسانی در شرق عربستان به شمار می‌روند. این کلیساها از محوطه‌های القصور در فیلکه کویت (Bernard and Salles, 1991) (شکل ۵)، تاج/جیبیل در عربستان سعودی (Langfeldt, 1994)، جبل بری در عربستان سعودی (Potts, 1990: 203-204; Potts, 1994) و سر بنی یاس در امارات متحده عربی (King, 1997; Elders, 2001: 47-57; Elders, 2003: 230-236) شناسایی شده‌اند. آرای مختلفی در باب قدمت این سازه‌ها ابراز شده و نهایتاً تعلق تنها شماری از این بناها به دوره ساسانی مورد پذیرش واقع شده است (رک. Kennet, 2007: 89). متون تاریخی حضور کلیساهای نسطوری را در این منطقه توجیه می‌کند (برای مثال: Potts, 1990: 241-247).^۱

۱. هاووزر (ر.ک. Hauser, 2007) در مقاله جامعی، کلیساهای ساسانی منطقه خلیج فارس و بین‌النهرین را مورد مطالعه قرار داده است.



شکل ۵. پلان کلیسایی ساسانی در القصور (Bernard and Salles, 1991)

از دیگر شواهد حضور ساسانیان در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس ظروف شیشه‌ای است که طی کاوش‌ها و بررسی‌های باستان‌شناسی از این منطقه کشف شده است. این شیشه‌ها از جزیره‌الغتم، واقع در کشور عمان (de Cardi et al., 1975: 32)، گوری ساسانی در نزدیکی دهران عربستان (Zarins et al., 1984: 42, pl. L; 10)، گورهایی در بحرین (Andersen, 2002) و نیز از قلعه ملیحا^۱ (Benoist et al., 2003: fig. 2. 21-22) به‌دست‌آمده است. گروه دیگری از یافته‌های ساسانی از شرق و جنوب شرق عربستان را مهرها تشکیل می‌دهند. در کاوش‌های انجام گرفته در تاروت واقع، در استان شرقی عربستان سعودی، دو مهر استامپی ساسانی به‌دست‌آمده که مزین به نقوش حیوانی است (Potts, 1990: 215).

علی‌رغم موقعیت کاملاً برتر ساسانیان در خلیج فارس به مدت چهار قرن، شمار اندکی سکه از آنها در این ناحیه به دست آمده است (Potts and Gribb, 1995: 123). حتی در سواحل ایرانی خلیج فارس در محوطه‌هایی مثل سیراف نیز تنها چند سکه ساسانی یافت شده است (Lowick, 1985). در کل، ۷۶ سکه مربوط به دوره ساسانی از کل ناحیه شرق و جنوب شرق شبه‌جزیره عربستان یافت شده است. این سکه‌ها شامل گنجینه‌ای حاوی ۱۸ سکه از فجیره و مربوط به هرمز چهارم و خسرو دوم (Hellyer, 1995: 25)، یک سکه منتشرنشده مربوط به قباد اول از کوش (Kennet, 2004)، پنج سکه رومی مربوط به

۱. ملیحا - مهم‌ترین محوطه مربوط به دوره سلوکی و اشکانی در پس کرانه‌های خلیج فارس در امارات متحده عربی است. این محوطه در حدود ۲۰ کیلومتری جنوب شهر الزیاد و ۷۵ کیلومتری جنوب شرق شارجه قرار گرفته است (Jasim, 2001: 103).

قرن سوم و چهارم از تاج و جبل کینزان^۱ (Howgego and Potts, 1992) و ۵۲ سکه از محوطه‌های مختلف عمدتاً مربوط به پادشاهی شاپور دوم و خسرو دوم است که در اثر پاتس و گریب (Potts and Gribb, 1995) معرفی شده‌اند. ۲۴ سکه از این مجموعه نیز از نهشته‌های مربوط به اوایل اسلام یافت شده است.

نتیجه

شمار چشمگیر محوطه‌های استقرار ساسانی در کرانه‌های خلیج فارس نشان‌دهنده سنت غالب شهرسازی در آن دوره است. با غور در متون درمی‌یابیم که بسیاری از شهرهای ساسانی به دست پادشاهان و به منظور تحقق اهداف نظامی و امنیتی و دفاعی بنا نهاده شده‌اند. برخی از این شهرها به نیت تأمین پادگانی برای دولت مرکزی سر برآورده‌اند و برخی دیگر برای تأمین امنیت راه‌ها (پارشاطر و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۲۳). در بسیاری موارد علت بنیاد نهادن شهرها ذکر نشده است، ولی با مراجعه به قراین تاریخی (برای مثال: ثعالبی نیشابوری، ۱۳۶۸: ۳۷۱) درمی‌یابیم که بانی، در تأسیس یک شهر، ملاحظات نظامی و دفاعی را از نظر دور نداشته است. بر این اساس، به نظر می‌رسد تأسیس شهرها نوعی اقتدار برای بانی به همراه می‌آورده است. گویی شهرسازی سنتی مرسوم در گفتمان قدرت‌نمایی شاهان ساسانی به شمار می‌آمده است. نزدیک بودن شهرهای نوبنیاد به مرزهای قلمرو امپراتوری ساسانی نمی‌تواند بی‌معنا باشد و هدف عمده از تأسیس این شهرها، تأمین امنیت و دفاع در مقابل نیروهای متخاصم خارجی بوده است. شهرهای احداث‌شده در کرانه‌های خلیج فارس هم از این قاعده مستثنی نبوده‌اند.

از آنجا که خلیج فارس در بخش اعظم دوران ساسانی مرز دریایی ایران با سرزمین‌های عرب‌نشین شناخته می‌شده، بافت شهرهای این منطقه با توجه به کاربرد آن شهرها طراحی شده‌اند. بر پایه گزارش‌های تاریخی، کرانه‌های خلیج فارس در دوره ساسانی بستر شکل‌گیری و توسعه سکونتگاه‌هایی بوده که به واسطه تجارت و مبادله کالا، به حیات خویش ادامه می‌دادند. رونق و آبادانی این مراکز جمعیتی از یک سو حساسیت و توجه پادشاهان ساسانی را به مرزهای جنوبی ایران جلب می‌کرده و از طرف دیگر سبب برانگیختن طمع مهاجمان و متجاوزانی می‌شده که از آن سوی دریا به قصد

۱. از محوطه‌های مهم اشکانی و ساسانی استان شرقی عربستان که در نزدیکی شهر هفوف واقع شده است.

غار ت راهی کرانه‌های خلیج فارس می‌شدند. از این رو سکونتگاه‌های ساسانی عمدتاً به شکل ماندگاه‌های برج و بارودار ساخته می‌شد و قلعه‌های نظامی و مسکونی در نقاط مختلف سواحل خلیج فارس، ضمن تأمین امنیت سیاسی و تجاری، بقای جوامع ساکن در منطقه را تضمین می‌کرده‌اند. یافته‌های باستان‌شناسی نیز به‌روشنی گویای مناسبات اقتصادی و اجتماعی مردمان این منطقه است. وفور سفالینه‌های وارداتی و ظروف مخصوص حمل و صدور کالا در محوطه‌های باستانی کرانه‌های خلیج فارس شاهد متقنی در تأیید موقعیت تجاری این منطقه است. همچنین آثار برج‌ها و حصارهای ستبر بر گرد محوطه‌های استقراری بر وجود رویدادهای نظامی و دغدغه دفاع از سکونتگاه‌ها و بنادر تجاری دلالت دارد. در نتیجه، می‌توان گفت سکونتگاه‌های دوره ساسانی کرانه‌های خلیج فارس جمعیت‌هایی را تشکیل می‌داده که بر پایه تجارت و بازرگانی روزگار می‌گذراند و گروهی از آن جمعیت با استقرار در قلعه‌ها و برج‌های دفاعی وظیفه تأمین امنیت و دفاع از ایشان و مرزهای جنوبی ایران را عهده‌دار بوده‌اند.

منابع

- ابراهیمی، نصرالله (۱۳۹۱). بررسی‌ها و کاوش‌های استان بوشهر از آغاز تاکنون، مجموعه مقالات هشتمین سال باستان‌شناسی ایران، به کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری، تهران، نشر پازینه، صص ۲۴۴-۲۲۹.
- ابن بلخی (۱۳۸۴). *فارس‌نامه*، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج و رینولد ال نیکلسون، تهران، اساطیر.
- اسماعیلی جلودار، محمد اسماعیل و حسین توفیقیان. ۱۳۸۹. *گزارش فصل اول کاوش در بندر باستانی مهرویان (بندر دیلم)*. مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناختی، منتشر نشده.
- اسماعیلی جلودار، محمد اسماعیل (۱۳۸۶). *گزارش مقدماتی کاوش نجات بخشی در سیراف (بخش اول: گزارش کاوش در ترانشه I)*، مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۲۲-۱۳.
- اسماعیلی جلودار، محمد اسماعیل، (۱۳۸۷). *گزارش فصل دوم کاوش در سیراف*، مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشر نشده.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸). *مسالك و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات افشار.
- بلادری، احمد بن یحیی (۱۳۴۶). *فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)*، ترجمه آذرتاش آذرنوش، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

ثعالبی نیشابوری، ابومنصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸). *تاریخ ثعالبی* (غرر اخبار ملوک و سیرهم)، محمد فضائی، تهران، نشر نقره.

خسروزاده، علیرضا، محمد اسماعیل اسماعیلی جلودار و مرجان روایی، (۱۳۹۱). *باستان‌شناسی سواحل شمالی خلیج فارس، با مرور پژوهش‌های اشکانی و ساسانی سواحل جنوبی، مجموعه مقالات هشتاد سال باستان‌شناسی ایران*، به کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری، تهران، نشر پازینه، ۲۰۹-۲۲۸.

سیوری ر. ام؛ جی. بی. کلی (۱۳۷۷). *خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن هیجدهم میلادی*، ترجمه حسن زنگنه، قم، مرکز بوشهرشناسی با همکاری انتشارات همسایه.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.

عربان، سعید (۱۳۸۲). *راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی)*، تهران، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی.

هدایت، صادق (۱۳۴۲). *زند وهومن یسن و کارنامه اردشیر پاپکان*، ج ۳، تهران، امیرکبیر.

پارشاطر، احسان و دیگران (۱۳۸۰). *تاریخ ایران: از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان*، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.

- Adams, R. McC. 1981. *Heartland of Cities: Surveys of Ancient Settlement and Land Use on the Central Floodplain of the Euphrates*. Chicago: University of Chicago Press.
- Andersen, S. F. 2002. The Chronology of the Earliest Tylos Period on Bahrain. *Arabian Archaeology and epigraphy* 13: 234-245.
- Benoist, A., Mouton, M., Schiettecatte, J. 2003. The Artifacts from the fort at Mleiha: Distribution, origins, trade and dating. *Proceeding of the seminar for Arabian Studies* 33: 59-76.
- Bernard, V. and Salles J. F. 1991. Discovery of a Christian Church at al-Qusur. Failaka (Kuwait). *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 21: 7-22.
- Boucharlat, R. and J. F. Salles .1981. The History and Archaeology of the Gulf from the 5th Century B. C. to the 7th Century A. D. A Review of the Evidence. *Proceedings of the Seminar for Arab Studies*: 65-94.
- Boucharlat, R., Haerinc, E., Lecomte, O., Potts, D. T., and Stevens, K. G. 1989. The European Archaeological Expedition to Ed-Dur, Umm al-Qaiwayn (U.A.E): An Interim Report on the 1987 and 1988 Seasons. *Mesopotamia* 24: 5-72.
- Daryae, T. 2003. The Persian Gulf Trade in Late Antiquity. *Journal of World History* 14(1) : 1-16.
- de Cardi, B. 1971. Archaeological Survey in N. Trucial States. *East and West* 3-4: 225-290.
- de Cardi, B. 1972. A Sasanian Outpost in Northern Oman. *Antiquity* 46 (184) : 305-310.
- de Cardi, B. 1974. The British Archaeological Expedition to Qatar 1973-1974. *Antiquity* 48 (191) : 196-200.

- de Cardi, B., Vita-Finzi, C., and Coles, A. 1975. Archaeological Survey in Northern Oman, 1972. *East and west* 25: 9-27.
- Elders, J. 2001. The Lost churches of the Arabian Gulf: recent discoveries on the islands of Sir Bani Yas and Marawah. Abu Dhabi Emirate. United Arab Emirates. *Proceedings of the Seminar for Arabian Studies* 31: 47-57.
- Elders, J. 2003. The Nestorians in the Gulf: Just Passing Through? Recent Discoveries on the Island of Sir Bani Yas. Abu Dhabi Emirate. U. A. E. . in D. T. Potts, H. al-Naboodah and P. Hellyer (eds.). *Archaeology of the United Arab Emirates: Proceedings of the First International Conference on the Archaeology of the U. A. E. .* London: Trident Press. 230-236.
- Ghirshman, R. 1960. *The Island of Kharg*. Tehran: Iranian Oil Operating Companies.
- Hauser, S. R. 2007. Christliche Archäologie im Sasanidenreich. in A. Mustafa, J. Tubach and G. S. Vashalomidze (eds.). *Inkulturation des Christentums im Sasanidenreich*. Wiesbaden: Reichert: 93-136.
- Hellyer, P. and King G. R. D. 1999. A Site from the Early First Millennium AD at Ra's Bilyaryar. Abu Dhabi, U. A. E. . *Arabian Archaeology and Epigraphy* 10: 119- 123.
- Hellyer, P. 1995. Safavid and Sassanian Coins in Fojairah. *Tribulus* 5: 25.
- Hellyer, P. 1998. *Filling in the Blanks*. Dubai: Motivate Publishing.
- Hojlund, F. and Andersen, H. 1994. *Qala'at al-Bahrain vol.1. The Northern City Wall and the Islamic Fortress*. Aarhus: Aarhus University Press.
- Howgego, C. J. and D. T. Potts 1992. Greek and Roman coins from eastern Arabia. *Arabian Archaeology and Epigraphy* 3: 183-189.
- Huff, D. 1987. Archaeology. IV. Sasanian. in E. Yarshater (ed.) *Encyclopaedia Iranica*. London - New York: Routledge and Kegan. II: 302-308.
- Jasim, S. A. (2001) , Excavations at Mleiha 1993-94. *Arabian Archaeology and Epigraphy*, 12: 103-135.
- Kennet, D. 1992. The Towers of Ras al Khaimah. *Tribulus* 2. 2: 25-30.
- Kennet, D. 1997. Kush: A Sasanian and Islamic Period Archaeological Tell in Ras al-Khaimah (U. A. E.). *Arabian Archaeology and Epigraphy* 8:284-302.
- Kennet, D. 1998. Evidence for 4th/5th-century Sasanian occupation at Khatt. Ras al-Khaimah. in C. S. Phillips, D. T. Potts and S. Searight (eds.). *Arabia and its Neighbours: Essays on Prehistorical and Historical Developments Presented in Honour of Beatrice De Cardi*. Turnhout: Brepols. pp. 105-16.
- Kennet, D. 2002. Sasanian Pottery in Southern Iran and Eastern Arabia. *Iran* 40: 153-62.
- Kennet, D. 2004. *Sasanian and Islamic pottery from Ras al-Khaimah: Classification. Chronology and analysis of trade in the Western Indian Ocean*. Society for Arabian Studies Monographs No. 1. Bar International Series 1248.
- Kennet, D. 2005. On the eve of Islam: archaeological evidence from Eastern Arabia. *Antiquity* 79 (2005) : 107-118.
- Kennet, D. 2007. The decline of eastern Arabia in the Sasanian period. *Arabian Archaeology and Epigraphy* 18: 86-122.
- King, G. R. D. and C. Tonghini 1998. The Western islands of Abu Dhabi Emirate: notes on Ghagha. in C. S. Phillips. D. T. Potts and S. Searight (eds.). *Arabia*

- and Its Neighbours: Essays on Prehistorical and Historical Developments Presented in Honour of Beatrice De Cardi*. Turnhout: Brepols: 117–141
- King, G. R. D. 1997. A Nestorian monastic settlement on the island of Sir Bani Yas. Abu Dhabi: a preliminary report. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 60: 221–235.
- King, G. R. D. 1997. *Abu Dhabi Islands Archaeological Survey. Season 1: An Archaeological Survey of Sir Bani Yas. Dalma and Marawah*. London: Trident Press.
- King, G. R. D. 1997. The History of UAE: The Eve of Islam and the Islamic Period. in E. Ghareeb and I. Al Abed (eds.). *Perspectives on the United Arab Emirates*. London: Trident Press: 74-94.
- King, G. R. D. and P. Hellyer 1997. A Preliminary Note on Ceramics from the island of Qarnein. *Tribulus (Journal of the Emirates Natural History Group)* 7(2) : 25-26.
- Lamberg-Karlovsky, C. C. 1970. *Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1969*, Cambridge: American School of prehistoric Research Bulletin 27.
- Langfeldt, J. A. 1994. Recently discovered early Christian monuments in Northeastern Arabia. *Arabian Archaeology and Epigraphy* 5: 32–60.
- Lecomte, O. 1993. Ed-Dur, les Occupations des 3 et 4e s. ap. J.-C. Contexte des Trouvailles et Matériel Diagnostique. in U. Finkbeiner (ed.). *Materialien zur Archäologie der Seleukiden- und Partherzeit im südlichen Babylonien und im Golfgebiet*. Tübingen, E. Wasmuth: 195-217.
- Lowick, N. M. 1985. *Siraf 15: The Coins and Monumental Inscriptions*. London: The British Institute of Persian Studies.
- Matheson, S. A. 1976. *Persia: An Archaeological Guide*. London: Faber.
- Mouton, M. 1992. *La Péninsule Oman de la Fin de l'Age du Fer au début de la Période Sassanide (250 av.-350 ap. J.C.)*, Unpublished doctoral dissertation, submitted at the Université du Paris I (Panthéon-Sorbonne).
- Mouton, M., Cuny, J. 2012. The Oman Peninsula at the Beginning of the Sasanian Period. In D. T. Potts and P. Hellyer (eds.). *Fifty Years of Emirates Archaeology, Proceeding of the second international Conference on the Archaeology of the United Arab Emirate*. Abu Dhabi: Motivate Publication: 174-187.
- Piacentini, V. F. 1992. *Merchants-Merchandise and Military Power in the Persian Gulf*. Rome: Atti della Accademia Nazionale dei Lincei.
- Potts, D. T. and J. Cribb. 1995. Sasanian and Arab-Sasanian coins from eastern Arabia. *Iranica Antiqua* 30: 123–137.
- Potts, D. T. 1984. Northeastern Arabia in the Later Pre-Islamic Era. in R. Boucharlat and J. F. Salles. *Arabie orientale. Mésopotamie. et Iran méridional de l'âge du fer au début de la période islamique*. Lyon: Éditions recherche sur les civilisations :85-144.
- Potts, D. T. 1985. From Qadê to Mazûn: Four Notes on Oman. c. 700 BC to 700 CE. *Journal of Oman Studies* 8: 81-95.
- Potts, D. T. 1990. *The Arabian Gulf in Antiquity. Vol. 2: From Alexander the Great until the Coming of Islam*. Oxford: Clarendon Press.
- Potts, D. T. 1993. A Sasanian Lead Horse from Northeastern Arabia. *Iranica Antiqua* 28: 193-199.

- Potts, D. T. 1994. Nestorian crosses from Jabal Berri. *Arabian Archaeology and Epigraphy* 5: 61-65.
- Potts, D. T. 1997. Late Sasanian Armament from Southern Arabia. *Electrum* 1: 127-37.
- Potts, D. T. 1998. Namord ware in Southeastern Arabia. in C. S. Phillips, D. T. Potts and S. Searight. (eds.). *Arabia and Its Neighbours: Essays on Prehistorical and Historical Developments Presented in Honour of Beatrice De Cardi*. Turnhout: Brepols: 207-20.
- Potts, D. T. 2005. http://www.iranica.com/newsite/index.isc?Article=http://www.iranica.com/newsite/articles/unicode/ot_grp7/ot_pers_gulf_ant_200503223.html
- Potts, D. T. and Gribb, J. 1995. Sasanian and Arab-Sasanian Coins from Eastern Arabia. *Iranica Antiqua* 30: 123-137.
- Prickett, M. E. 1986. *Man, Land, and Water: Settlement Distribution and the Development of Irrigation Agriculture in the Upper Rud-i Gushk Drainage, Southeastern Iran*. Ann Arbor: University of Michigan.
- Priestman, S. M. N. and D. Kennet 2002. The Williamson Collection Project: Sasanian and Islamic Pottery from Southern Iran. *Iran* 40: 265-67.
- Sajjadi M. 1989. A Class of Sasanian Ceramics from Southeastern Iran, *Rivista di Archeologia* 13: 31-40.
- Sedov, A. V. 1992. New Archaeological and Epigraphical Material from Qana (South Arabia). *Arabian Archaeology and Epigraphy* 3: 110-137.
- Simpson, J. 2007. Bushire and Beyond: Some Early Archaeological Discoveries in Iran. in E. Errington and V. Curtis (eds.). *From Persepolis to the Punjab*. London: British Museum Press: 153-65.
- Whitcomb, D. S. 1978. The Archaeology of al-Hasa Oasis in the Islamic Period. *Atlat (Journal of Saudi Arabian Studies)* 2: 95-113
- Whitehouse, D. 1968. Excavations at Siraf: First Interim Report. *Iran* 6: 1-22.
- Whitehouse, D. 1969. Excavations at Siraf: Second Interim Report. *Iran* 7: 39-62.
- Whitehouse, D. 1970. Excavations at Siraf: Third Interim Report. *Iran* 8: 1-18.
- Whitehouse, D. 1971. Excavations at Siraf: Fourth Interim Report. *Iran* 9: 1-17.
- Whitehouse, D. 1972. Excavations at Siraf: Fifth Interim Report. *Iran* 10: 63-87.
- Whitehouse, D. 1974. Excavations at Siraf: Sixth Interim Report. *Iran* 12: 7.
- Whitehouse, D. 1975. Carnelian in the Persian Gulf. *Antiquity* XLIX (194) : 129-30.
- Whitehouse, D. and A. Williamson 1973. Sasanian Maritime Trade. *Iran* 11: 29-49.
- Wilkinson, J. C. 1973. Sūhār in the Early Islamic Period: The Written Evidence in E. Taeddi (ed.). *South Asian Archaeology*. Vol. 2. : 887-908.
- Zarins, J. , Mughannam, A. S., and Kamal, M. 1984. Excavation at Dhahran South-The Tumuli Field (208-92) , 1403 AH/1983. A Preliminary Report, *Atlat* 8: 25-54.
- Zemer, A. 1977. *Storage Jars in Ancient Sea Trade*. Haifa: National Maritime Museum.

